

نظری بر سریال «می خواهیم زنده بمانم»

عشق ورزی زیر نگاه نافذ قدرت



ایمان عبدلی

انتخاب یک سریال ایرانی از میان آثار پرشماری که این روزها عرضه می شوند کار بسیار دشواری است، برای نرسندیدن خیلی از این کارهایی که چپ و راست در اینستاگرام و روی بلیبوردها رژه می روند، نیازی نیست حتما زاویه دید هنری یا نگاهی منتقدانه داشته باشید. همین روزها دو فاجعه با عنوان «کمدی» عرضه می شوند که مشخص است که هیچ تلاش و اراده‌ای در پشت صحنه آن‌ها برای جذب مخاطب وجود نداشته. «مردم معمولی» و «دراکولا» از دو چهره تلویزیونی مطرح که

عملا و علنا هیچ حرفی برای عرضه ندارند و همان اعتبار نیم بند رامید جوان و مهران مدیری را هم به تاراج می دهند. خوب واضح است که وقتی «قورباغه» جزو محبوب‌های این ماه‌های اخیر شده، یعنی یک جای کار به شدت می لنگد! سریالی که استانداردهای اولیه قصه‌گویی را روایت نمی کند، اما تلاش داشته «خفن» باشد، البته پدیده‌های غریبی چون «گیسو» هم وجود دارند و از پس همه این‌ها باید درک کنیم که معادلات مالی در این حوزه ناگفته‌های زیادی خواهد داشت، که می ماند برای روز حساب. در این میان شاید بشود یک کار (سریال می خواهیم زنده بمانم)

را از بقیه آثار جدا کرد، نه که کاملا مباح باشد، اما خوب استاندارد دارد، شخصیت پردازی دارد، متوجه می شوی کسی یا کسانی برای فیلمنامه آن تلاش کردند. داستان دارد و خوشبختانه داستانش جلو می رود. شاید پلات آن کمی قابل پیش بینی و تکراری باشد اما همین پلات قابل پیش بینی را جذاب اجرا کرده، حداقل تا حالا که ۱۰ قسمت از آن گذشته است. «می خواهیم زنده بمانم» تقریبا سریال موفقی ست. کندوکاو در رابطه عشق و قدرت و لایه برداری از نسبت عشق و سیاست در زمانه عسرت و یک شرایط منقبض اجتماعی، همان چیزی ست که

پیشتر «شهرزاد» هم از آن گفته بود و خوب خیلی هم موفق بود، بازسازی رابطه شهرزاد، قباد و فرهاد. اینجا بنا عباوینی دیگر: هما حقی، امیرشایگان و نادر سردمد. باز هم جذاب از آب درآمده، نادر سردمد در واقع نماد روشنفکر است و شغل او هم تعمیرات تیبیکال انتخاب شده، یک معلم یا طراحی لباسی که البته یادآور شمایل روشنفکری در سال‌های انتهایی قبل از انقلاب است و از آن طرف کاراکتر پیچیده و کاملا سینمایی امیرشایگان که چون در نسبت با قدرت هم قرار دارد و کاملا از آلود است و البته قطعا برای حامد بهداد یک نقطه روشن در کارنامه بازیگری اش است. هر دو نقش جذاب و سمیات است و اگر درگیری پیدا و پنهان میان دو قطب داستان خیلی به سمت «کمیت» میل پیدا نکنند و همین طور بسر و جوجه انسانی و روانکاوانه تاکید داشته باشد، می تواند جذاب تر هم شود. اگر هم این دو قطبی به سمت «کمیت» برود، مهم تر از هر چیز شاید حفظ لحن جسور فیلمساز باشد، آیا می تواند در دل برخی اتفاقات ریشه دار تمام دهه‌های اخیر برود؟ یا معضلات ساختاری را به نرات تقلیل خواهد داد؟ یعنی با گرایش مهدویان و حاتمی کیا رفتار خواهد کرد یا گفتمان سیاسی سریال پیش رو تر خواهد بود؟ در هر صورت حتی اگر گمان کنیم، سریال در مسیر آوانگاردی ادامه ندهد، انقدر در فاز ملودرام موفق

عمل کرده که می شود ادامه اش داد. مثلا هم حقی را با شهرزاد مقایسه کنید، چقدر پیچیده تر و با تانی بیشتر اجرا شده، در واقع شاید این یکی از بهترین بازی‌های سحر دولتشاهی ست، او موفق شده تردید و عذاب توامان تصمیم دشوارش را در تار و پود زبان بدنش و میمیک صورتش بکارد. در واقع هر بار که او را می بینیم همراه با خودش تمام قدرت در یک فضای عذاب‌هایش را به ما منتقل می کند. البته از آن جایی که جنس تردید و دوراهی‌اش هم به قولی آبکی و از سنخ سریال‌های کلمبیایی و ترکی نیست، نقش جای کار داشته و دولتشاهی هم از فرصت استفاده کرده!

این بستر مناسب نقش‌ها در سریال «می خواهیم زنده بمانم» از فضای سریال نشات می گیرد، تقابل عشق و قدرت در یک فضای اجتماعی منقبض، همان چیزی که همیشه هست و همیشه گفته نمی شود! «هنر» همین است دیگر، حرف زدن از چیزهایی که دیده نمی شود، تاباندن نور به نقاط تاریک و اگر این موقعیت نبض دارد، چون هست و بعضا بنا به مصالح و به خواست قرائت رسمی سانسور می شود و چه عشق‌هایی که به خواست قدرت مصادره می شود. روشنفکری که مهر را با کینه عوض می کند، معشوقه‌ای که میان خواستن‌ها و نخواستن‌ها در به در است و به قدرت کام می دهد، البته تمام آدم‌های پیرامونی که

«می خواهیم زنده بمانم» تقریبا سریال موفقی ست. کندوکاو در رابطه عشق و قدرت و لایه برداری از نسبت عشق و سیاست در زمانه عسرت و یک شرایط منقبض اجتماعی، همان چیزی ست که پیشتر «شهرزاد» هم از آن گفته بود و خوب خیلی هم موفق بود

شکل‌های تقلیل یافته‌ای از همین وضعیت هستند. «می خواهیم زنده بمانم» گاهی دچار شلختگی روایی ست، در فضاسازی واقعیت را بعضا قلب کرده، می شود کلی از آن ایرادهای میزانش و طراحی صحنه در آورد، خیلی چیزهایش با واقعیت دهه ۶۰ و ۷۰ تطبیق ندارد، اما گفتمان موجود در آن تا قسمت دهم، گفتمان مهمی ست و چون اجرای خوبی هم دارد، شاید به نوعی بهترین سریال در شرایط فعلی نمایش خانگی ست، اگر که کمی از غلظت دیالوگ‌های وزین نمایش بکاهد، به هر حال لزومی ندارد تمام آدم‌های یک سریال حکیمانه حرف بزنند، حتی در آثار علی حاتمی هم برخی کاراکترها معمولی تر حرف می زنند و شاعرانگی هم گاهی نفس می کشید. باید دید «می خواهیم زنده بمانم» در اوج می ماند و یا در ادامه مصلحت‌اندیش خواهد شد.

تئاتر

انتشار فراخوان نسخه یکم پیشخوان آنلاین تئاتر معاصر ایران

هر ساله جشنواره‌ها و رویدادهای بین‌المللی فرهنگی بسیاری در سراسر جهان برگزار می‌شوند. این رویدادها این امکان را به هنرمندان می‌دهند تا آثار خود را با مخاطبانی از سراسر جهان به اشتراک بگذارند. با شیوع بیماری کرونا و آنلاین شدن برنامه‌های هنری، موسسه فرهنگی هنری نوروز هنر که در حوزه معرفی آثار تئاتری ایرانی و خارجی در رویدادهای مختلف از جمله بازار تئاتر ایران، شوکیس ملی فجر، هفته تئاتر ایران در بلژیک، و جشنواره عروسکی تهران مبارک، در خرداد ماه ۱۴۰۰ نسخه یکم پیشخوان آنلاین تئاتر معاصر ایران را برگزار می‌کند.



قرار است این رویداد آنلاین ۲۲ تا ۲۷ خرداد ۱۴۰۰ شمسی (۱۲ تا ۱۸ ژوئن ۲۰۲۱) در سه بخش رخ دهد. این سه بخش شامل ارائه (Presentation): معرفی در بازه زمانی معین برای نمایش‌های آماده، معرفی کوتاه (Pitching): معرفی در بازه زمانی محدود (۵ دقیقه) ایده‌نمایشی در دست ساخت به مدیران تئاتری حاضر در جلسه و دیدار تک به تک (Speed Dating): ملاقات‌های تک به تک پنج دقیقه‌ای برای آشنایی بیشتر هنرمندان و تهیه‌کنندگان/برنامه‌ریزان فستیوال‌ها است. این رویداد به زبان انگلیسی برگزار می‌شود و علاقه‌مندان برای حضور در این فرایند هنری می‌توانند به درگاه‌های مؤسسه نوروز هنر مراجعه کنند.

گردشگری

۱۰۰ اثر موزه‌های ایران از بریتانیا پس گرفته شد

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در توییت خود نوشت: «با دیپلماسی فرهنگی مجموعه‌ای شامل ۱۰۰ اثر موزه‌ای که در اختیار موسسه ایران شناسی بریتانیا بود پس از نیم قرن به موزه ملی ایران بازگشت». به گزارش ایسنا، در توضیحات تکمیلی علی اصغر مونسان درباره چگونگی دسترسی این موسسه بریتانیایی به این ۱۰۰ اثر موزه‌ای ایرانی آمده است: مؤسسه ایران شناسی بریتانیا در تهران، در گذشته محل استقرار گروه‌های باستان‌شناسی و ایران‌شناسان بریتانیایی بود که برای مطالعه، بازدید، بررسی‌های میدانی و کاوش باستان‌شناسی به ایران می‌آمدند. گروه‌های بریتانیایی در دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی برخی اشیاء و مواد فرهنگی را برای تکمیل طراحی و عکاسی و به منظور آماده‌سازی برای انتشار به محل مؤسسه ایران شناسی که در قلهک قرار داشت منتقل می‌کردند. با وقوع انقلاب اسلامی بخشی از این آثار و پروژه‌ها به صورت نیمه کاره در آن محل باقی ماند.



آثار مسترد شده شامل ابزار سنگی، سفالی، استخوانی، آجر و بقایای جانوری و قطعات شکسته سفال از محوطه نوشیجان تپه (استان همدان)، سگرآباد (قزوین)، خورویین (البرز)، باباجان تپه (استان همدان)، پاسارگاد (استان فارس)، هفتون تپه (استان آذربایجان غربی)، و محوطه‌های گوناگون ایران است.



صدواسیما و گفتگوهای عمومی رخ می‌دهد. همین الان صدواسیما شروع کرده به پخش برنامه‌هایی از بحث‌های جناحی و بیان دیدگاه‌های کاندیداهای مختلفی که وارد عرصه انتخابات می‌شوند. اما همه اینها یک فصل دارد و بلافاصله بعد از انتخابات، هم صدواسیما بانش می‌رود چه مسئولیت‌هایی دارد و هم مسئولان که چه قول‌هایی در این گفتگوها داده‌اند؛ همه اینها فراموش می‌شود، تا چهار سال آینده. **کلاب هاوس نشان داد مردم تشنه گفتگوی مستقیم هستند** او با اشاره به اینکه «کلاب‌هاوس فضای را برای گفتگو در دنیا شکل داده اما در ایران این اتفاق خیلی جدی تر بروز پیدا کرده است.» گفت: مردم تشنه ما که منتظر گفتگوی مستقیم و حتی بیان دیدگاه‌های خودشان -ولو به اشتباه- بوده‌اند، برای شنیدن و شنیده شدن خیلی مشتاقانه وارد این شبکه اجتماعی شدند. البته من اعتقاد دارم این شور و هیجان تا چند ماه آینده شاید افت کرده و حالتی عادی پیدا کند، چون به هر حال یک پدیده نو و غیر معمول است و بعد از اینکه روتین شد، شاید مثل خیلی چیزهای دیگر برای مردم عادی شود. اما به هر حال دلیل موفقیتش در این دوران، همان خلاء گفتگویی است که اشاره کردم.

کاش کلاب‌هاوس سیاست‌زدایی شود

مدرس ان تباطات اجتماعی:

مدرس و مدیر گروه ارتباطات اجتماعی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد گفت: آرزویم این است که کلاب‌هاوس به سمت فضایی غیرسیاسی برود و آدم‌ها و لیبرال‌های اتاق‌ها آن را سیاست‌زدایی کنند و به سمت مباحث جدی‌تری مانند فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بروند. «محمد سلطانی فر» در گفتگو با خبرنگار ایلنا، به بررسی دلایل اقبال عمومی نسبت به کلاب‌هاوس به عنوان شبکه اجتماعی جدیدی که مبتنی بر صداقت، پرداخت و افزود: در این ۲۲ سال انقدر به سیاست پرداختیم که همه‌مان سیاست‌زده شدیم و خسته هم شدیم چون نتیجه‌ای در بر نداشت. این همه گفتیم و این چپ شد و آن یکی راست و یکی اصول‌گرا و دیگری اصلاح‌طلب و هیچ اتفاقی هم نیفتاد. به نظر من مباحث خیلی عمیق تر و جدی‌تری در جامعه داریم که باید به آنها بپردازیم. سلطانی فر با بیان اینکه «کلاب‌هاوس در خلأ شکل‌گیری گفتمان میان مردم و مسئولان قدرت گرفت؛ خلایی که در طول شاید ۴۰-۵۰ سال گذشته پدیدار شده است.» یادآور شد: در طول همین چند قرن، شاید هیچ‌گاه شاهد این نبودیم که مسئولان به طور واقعی و مستقیم به حرف مردم گوش کنند و یا وارد چالش‌هایی شوند و در این چالش‌ها مردم بتوانند حرف‌های واقعی و حرف دل‌شان را به مسئولان بزنند. برای همین معتقدم یکی از مهم‌ترین دلایل رشد کلاب‌هاوس در ایران، دیالوگی است که بین مردم و مسئولان و حتی بین خود مردم در آن شکل گرفته و پدیدار شده است. او ادامه داد: معنایی که از هجوم مخاطبان و کاربران به کلاب‌هاوس درک می‌شود، این است که این خلأگفتمانی، دیالکتیکی و گفتگویی خیلی جدی است و تبدیل به حفره عمیقی شده که هیچ‌کسی به فکر ترمیم و پر کردنش بر نیامده

بر اثر ابتلا به کرونا؛

سید احمد حلی خواننده پیشکسوت موسیقی ایرانی درگذشت

احمد حلی از خوانندگان پیشکسوت موسیقی ایرانی بامداد روز یکشنبه پنجم اردیبهشت ماه بر اثر ابتلا به کرونا در فانی راوداغ گفت. به گزارش ایلنا، سید احمد حلی آوازخوان پیشکسوت موسیقی ایرانی که مدتی به دلیل ابتلا به ویروس کرونا و در پی آن، تشدید بیماری کلیوی اش در بیمارستان شهید بهشتی کاشان بستری بود، بامداد روز ۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ دارفانی را وداع گفت. این هنرمند موسیقی‌دیف دستگامی ایران متولد ۱۳۳۱ کاشان بود و آواز راز محمد قراملکی و استاد حجاری فراگرفت. پس از آن در راد یونزد صالح عظیمی دانش را تکمیل کرد و سپس برای اجرا به رادیو نیز دعوت شد. زنده یاد حلی از سال ۱۳۶۱ همکاری خود را با رادیو

